

سالیاه ۳۰۰ و با

۶۰۰

۴۰۰

ملکه مطبوع

فواین و آنکه

نمایه کامل



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

دائل، کتاب، نواین مصوبه و مطراده - گزارش کبیسونها - صورت مفروج مذاکرات مجلس - اخبار مطبوع - اخبارات - ۲ گهراهی رسی و لالوس

سال دهم

۱۴۳۳ مهر ماه ۱۸ هیله

۲۸۱۵ هیله

دوتی اختراع دارند و آنها را که برای حل امور خود مراجعتی دارند گاهی از اینکار خود سخت پیشیان مشوند در بعضی از موارد بجز این کارها بقدرتی کنند و بطي است و اندمازه ای مشکلات در کار عاده بیش می آورند که واقعه صورت استهزا بخود میگردید (صحیح است) هزاران بندهار تنها بنام فواعد و ظمانت که اغلب روی امیال خاص بعضی از مصادر امور بوجود آمده کارداش امور را دچار وقفه میگردید و بروز گرایی یافرطاس بازی بحدی رواج دارد که اساس مطالع در شال آنها ازین رفت و میرود (صحیح است) عدم هم آهنگی در سکار وزارت توانها و مؤسسات دولتی و قدردان بر نامه صحیح بطورست که یکفرید علاوه از خصوصیات و اوضاع استان زریز کیلان است که بمنظور پنهان پایه مورد توجه فرار گیرید (صحیح است) پس باجالمه آقایان محترم شروع به بیان مطلب مبنایم: هم آقایان بخوبی میدانند که شهریور سال پیش برای ما اقسام نکت بیار آورد از آتجهله اضباط و دیسیلین را در تمام سازمانهای اداری ما ازین برد صدمات ایام چنگ و سختی زندگانی و عدم تمادل دخل و خرچ نادرستی را بین مأمورین دوات رواج داد و قوه حواشد مختار و عدم بیان دوئنه هنوز چند روز از اجراء این عمل نکشته مسایل امنیتی این کارهای انتقامی را که در این میانه که در گذشتگان اتفاق افتاده بکار رفته باشند و بجهت این موضع شد که مأمور آن حوارت بودند موجت شد که نواند بطور شایسته بمقام مسویات دورانی و بینجنبه نظری بست (اظهاری آنها برآیند تا اجرای این موقعاً را در تمام ایامه کشی و نظایر آن مبناید (صحیح است) مردم از این نظام مبتکرند و با تجربه بایان بریگر مانند سازمان اوله کشی بای بری پاشر کث تلفن شروع بکندن اسفالت و خفر کانال در همان نفعه برای کابل کشی بایلوا کشی و نظایر آن مبناید (صحیح است) مدنی بکار تقدیر در روابط مقتفيه مأمورین دوات رایج شده که عدم ملایمه را تعت در این اتفاق از این موقعاً را در تمام این اتفاقات فرار داده و در هر مقطع و مجلسی وقتی صحبت از دستگاههای دولتی بیان می آید اکنون اینکه بین بینی و عدم علاقه خاکباز درخشش - مصطفی ذوالقاری - پورستیپ - حشمتی - سلطانی - اورونک - شفیعی - معینزاده - شبستانی - عرب شیانی - سلطان المنانه - بهادری - دکتر سید امامی - کبیرور - سالار بهزادی - فرید ارجمندی - ازیه - دیر آند کان و زودرنگان بازار - نایاند کی آقای سهرابیان اعلام شد ملا تصور که مخالف نداشت اعلام شد ملا تصور و غربت تر از هم اینست که اولیان اکثر افراد یا کمبل از مردم بعدستکه و غیره توجه بتمایز حواچ مردم بعدهستکه این مذاکرات چهل و نهین جلسه از دوره هجدهم تاونکداری اداره نهادنی و تغییر صورت مجلس

شماره مصلسل ۴۹  
دورة هجدهم مجلس شورای ملی

# مدکرات مجلس شورای ملی

جله ۴۹

صورت مفروج مذاکرات مجلس روزیک شنبه ۱۱ مهر ماه ۱۴۳۳

## فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس جلسات ۷ و ۸ مهر ماه
- ۲- اعلام تصویب نایاند کی آقای سهرابیان نایاند ارامنه از جنوب
- ۳- بیانات قبل از دستور آقایان، صفاری - ازباب - شوشتري و دکتر پيرنبا
- ۴- بیانات کرمه در گزارش کبیسون امور استفاده از جلسه بازنشستگان زمان دوات سابق و ارجاع مجلس سنا
- ۶- تعین موقع جلسه - ختم جلسه مجلس دو ساعت و پیش دیگه قبل از اینست آقای
- ۷- رضا حکمت تشکیل کردند

(۱- تصویب صورت مجلس جلسات ۷ و ۸ مهر ماه)

ریسیس - نسبت بصورت غایبین جلسه قبل چهارشنبه و پنجشنبه نظری بست (اظهاری نشد) صورت مجلس جلسات هفتم و هشتم مهر ماه تصویب شد.

(۲- برشز برقراحت شد) غایبین با اجازه - آقایان: بیانات کو صادق بوشهری - مهدی الرحمن فرامرزی -

پورستیپ - حشمتی - سلطانی - اورونک - شفیعی - معینزاده - شبستانی - عرب شیانی - سلطان المنانه - بهادری - دکتر سید امامی -

خاکباز - درخشش - مصطفی ذوالقاری - غایبین بی اجازه - آقایان: تربیتی - کبیرور - سالار بهزادی - فرید ارجمندی - ازیه - دیر آند کان و زودرنگان بازار -

آقایان: نفایت اعلام شد ملا تصور که مخالف نداشت اعلام شد ملا تصور

دیر آند کان و زودرنگان بازار - نایاند کی آقای سهرابیان اعلام میشود

مین مذاکرات چهل و نهین جلسه از دوره هجدهم تاونکداری

گرده آند و حالا کدر طول توجهات گشایشنا  
معظم اتفاقات و شیوهای رفتار موقت تهدید  
را رفع نموده اند چنانچه آن دارد که بانام  
نیو در رفع مقدار و اصلاح کامل زمان  
های اداری که باهاشت صحت و امات  
سرعت بتوانند خواجی مجدد مردم را تأمین نمایند  
بکوشند و زمزمه هم در این امریکانی که  
میان زندگانی مومی با آن استوار است  
سامعه و غلت را ندانند (صحیح است)  
ولی نه بطریق که تا کنون ممول دوای  
بود و است زیر آفتاب مجهوده با خاطرداری  
که دولتها گذشته در ادوار مختلف از  
از فشار مجلس و مجلسیان و باجهان  
دیگر خواسته اند بنام اصلاح سازمان های  
دولت و رفع معاوضه و کوتاه این ابدیت  
خان و نایاب از مؤسسه دوای افاده  
بکشند و پیش خود را شکل کوبیون  
اعلانی و شوراها اجرای این تصمیم  
علی میدانند و لی مهدیدم که از آن  
هم کمیتهای از زمینه میمیم که مژدر اوسا  
باشد تراویش نکرد و باقی دن اما آن  
کمیتهاینها میمیم که مژدر اوسا  
نمطیل کردند.

بنده صبح و باهاشت اطبایان عرض میکنم  
اگر دولت باصول مطمئن و قاطع دست بپای  
اصلاحات باسرعت کافی تزویج اراده افدا را  
دستگاههای دولت زیرانه و استوانه و اغفار  
را در شومن اداری برقرار نمایند حتی می  
قدم مفید همانی هم نمیتوانند بردارند  
بنده بنظر قاصر خود بیشنهاد میکنم  
که دولت فوراً یک شورائی بر کتب ای  
اشخاص بصیر و مطلع و با این که مایوس  
از اصلاحات نباشند و در دوره خدمت خود  
صاحب تحریریان شده باشد از طبقات ممتازه  
کارمندان حاضر خدمت و با بازنشسته شکل  
داده و نیکی آذی اینان و زراع راه هم بهم  
سر برستنی و اداره کردن این شورائی معمم  
کردو مذاق آنها بخواهد که درودت کوتاه  
باشند و نهادن کام مطلع هر روز از توان  
اور - سازمان و اعیان و حقیقت هر روز  
خان یا موسمه مستقل را بدین معاهدات جان  
اشخاص و باهاشت بطریق تهیه نمایند  
دوم در اصلاح قانون استخدام کشور  
بطوریکه در حال حاضر اوضاع جاری کشید  
قابل تطبیق باشد اتفاقاً نمایند  
سوم بعد تعداد مستخدمین اضافی دولت  
را با تعطیق سازمانهای جدید از هر طبقه  
صنفی معین و اضطراب نمایند  
چهارم برای بکارداشتن کارمندان  
اعفای پس از طلاق بندی معلومات آنها را  
یا تطراق فارقی مدون نمایند  
پنجم - باوالمی که هر روز از توان  
دست دارد کارمندان را که قاد اخلاق  
آنها بعد شیع رسمیده از نمایند دولت  
خارج نمایند و اگر این اخراج مستلزم  
دست داشتن فقره فارقی باشد آن فقره فارقی  
از جمل مصلحی که در پیش بود فراتحت حاصل

از نظر معاش بسبیله حقوق در زمینه  
که اکبر برای تأمین معاش پویه خود و  
اطفالشان ناجا هن داشت از کسب سرگردان  
کرفته و با ازره اضطرار ایجاد زحمتی  
برای مردم کرده و خود را با لف  
و این اداره نمایند خنی حقوق بگردید این  
را حکمه غالباً صاحب هیله اولاده هستند  
بامصارف یا بگفرند زندگانی تعطیق کرد  
دیدم که خرج یک زندگانی بشیش از اخذ  
است این بود که باعهاده و تلاش تو انتstem  
اند کی بحقوق آنها بیزار اینم که اینها با  
کرامی روز افزون زندگانی امروز باز  
چندین مصیبهای باقی بقیه همانها بحقوق  
فرمایند فریاد که باعهاده و خانه دارد.  
ناموس ما باشد در کرمای شدید و سرمای  
سخت شد تا بسیع بیدار و مواطن باید چهار  
میتوانند این را باعهاده اینجا بگردش و تفریغ  
ایرانیان را باعهاده باشند و خانه ایان  
که از زخ از خانه قید کشور ناز شست خود را  
دریافت میارند. بعد اینکه یک ریس  
اداره باعهاده میگردند که این را باعهاده  
عیزان بی بهت را بخواهد بلطفاً از این  
میخوند منصرف میشود این عدماز مستخدمین  
درست شیوه بکرم درخت مستند که برور  
فانوی نیستند که شیانتکاران و خاطلیان و  
متباورین بشون اجتماعی را نهادن تقدیب جدی  
فراراده و باقدرت فانوی خود در حفظ  
نظم اجتماعی و کشف سرقها و غیره مسرعت  
عمل بخرج دهنده یکی از موجبات برقراری  
حکومت نظامی که اغلب از آن کله دارند  
میتوانند این را باعهاده اینجا بگردش  
که در این فراغت بالدارمآ درصد اغوا  
و تحریک سایر کارمندان بدارستی بوده و با  
متوجه اینها همچویه این عده یک هیب بزرگ  
فراراده و باقدرت فانوی خود در حفظ  
نظام اجتماعی و کشف سرقها و غیره مسرعت  
عمل بخرج دهنده یکی از موجبات برقراری  
حکومت نظامی که اغلب از آن کله دارند  
میتوانند این را باعهاده اینجا بگردش  
که از آنها شناسیتی قابل اعتماد نباشد  
میتوانند این را باعهاده اینجا بگردش  
که از آنها شناسیتی قابل اعتماد نباشد  
درست شیوه بکرم درخت مستند که برور  
نه درخت کهنه را فاسد میباشند مفت  
خورد و بیکاری این عده یک هیب از هموار  
و بیکاری راهم بیار آزاده و آن ایست  
که در این فراغت بالدارمآ درصد اغوا  
و تحریک سایر کارمندان بدارستی بوده و با  
مجامعی ایجاد کرده برای تبیث قاچویی برتر  
را درین سرت کرفته و تسلیم آگاهی  
کرده اند آگاهی میتوانند این نکاتی که  
که از ۲۴ ساعت نایاب تجارت کند غالباً  
مرض میشود تقلیل قول نیست تمام حاصل  
منجر باعتراف مجرم نیتی و تسلیم مأمورین  
مشاهدات و تجربیات متند بند و خدمات  
قضایی کردند آن آذی اینان را باعهاده  
کارها و یا چهات دیگر که از عرض اینها  
مذور چشم کنی که باعتراف کنیل و چه  
ضمانت مذکور این را درین سرت کرفته و  
مکاران مفترم در مذکور مقصداً نزدیکی انتظامی  
که بعثت شدن از اصلاحات میتوانند این  
هر چیزی که بکنند بخلافه معلوم این  
که درین باره دارم اجازه مخواهند علی  
الضمانت مذکور این را درین سرت کرفته و  
بالاصله نجات پیدا کرده و برسی بیش  
خنده داشت.

رئیس آفای صفاری وقت شما تمام  
صفاری بنده یک ربع دیگر وقت  
میخواهم.

رئیس آفای صفاری که با یک ریس از  
سبت آمام صفاری موافقند فیلم  
(اکثر برخاسته) تسبیب شد، بفرمائید.

صفاری نسبتی این بیرون از این  
معتزم بخوبی بتوانند مس بزنند که  
خواهد بود و توضیح بخشنید که زایمیده اند.  
خلاصه از ادامه تشریع مایه و مفاسد اداری  
بعلت اینکه همه آفایان از آنها استحضار  
دارند صرف نظر کرده و فقط هشت محترم  
دولت را متوجه مس طبل از وضع مأمورین  
از جمل مصلحی که در پیش بود فراتحت حاصل

از دری زمانی در اینکشور بوجود آمد  
که اکبر برای تأمین معاش پویه خود  
اطفالشان ناجا هن داشت از کسب سرگردان  
کرفته و با ازره اضطرار ایجاد زحمتی  
برای مردم کرده و خود را با لف  
کرست تعداد مستخدمین است که بلاحظه  
نقمان کار آزاد هر کس که مقدورش بود  
و وسیله ای داشته درستگاههای دولت وارد  
شده و حالا کار بچشم رسیده که هن دوات  
قادست افراد اضافه بر احتیاج را اخذ  
بر کار کرد و هن آنها بهیج قیمتی دست از  
کار برپایند نهادن بینظیر گردیده بکاهه منع  
در آمد مهل و آسان هیب استفاده داد  
را مستخدمین مات بقیه بعضی همانها بحقوق  
مرتب در آنهاه بناشد و دیگری میباشد  
بدرد آنها بر سند و مقامات فضایی  
ایجاد اداره امور مس از دوام روزی نیمی  
رواندازه و قوانین از این روزه کشور را  
شمرده در این روزه صحیح آنها بجهادهای  
محققاً اینها انجراهات اخلاقی و ملکی  
که مایه کمال تأسی و سرانکند کی است  
بوجود نی آید . اگر تبعیمات در تمام  
شون کشور وجود نداشت و اگر واقعاً  
درکشور بقوانين موضعه احتمار گذاره  
میشد و دولت ها در بسط عدالت اهتمام  
میزدزندانه، خلیل بذریت منعه بوجودی آمد  
که موجب اختلال نظم عمومی می شود .  
زاده است بعرض بررسی رسانی میکنی از هموار  
و بیکاری این عده یک هیب از هموار  
هستیم بودن مجازات و مکافات است چون  
دانه که بعثت شدن از اصلاحات معرفه نمایی  
اکثر مستخدمین دولت تبیثی مقصد شده اند  
اگر کارهای اینجا مدد همچویه این  
که از آنها شناسیتی قابل اعتماد نداشته  
عمل بعثت شدن از اصلاحات معرفه نمایی  
دانه که بعثت شدن از این که بکنند بخلافه معلوم این  
ما طوریست که میتوانندبا توسل و ثبت  
باور از متفق خود را از طلاق مجازات مصون دارند  
باين چه آن از فرد خوب و متعال چون می  
پند تلاش و اهتمام در انجام امور وظیفه و  
اعمال درستی تبیثی ایز جز بر این امور  
نداشته که معرفت اینها داشته نهانه کاری  
که بعثت شدن کرد نادرستی بکردن ولی  
در انجو از طلاق هم نلاش نمیکند آن فرد  
خطای هم اذیون موقع استفاده کرده سوار  
کار شده و چهار ایه در عین این امور  
برای خود ایجاد کرده بدوں فرمانه اند  
میباشد تبیث شده از این موقعاً معرفه نمایند  
ایش دایبال این را درین نهادن  
اصلاحی تقطیر ایه این و آسایش بوجود  
میباشد واکر مأمورین بروبوطه کمس مشیل ایجاد  
امیتیستند خود موجات ناراحتی و عدم  
بر این تردید نیست که کوئه اقدامات  
اصلاحی تقطیر ایه این و آسایش بوجود  
میباشد و اکرم این موقعاً معرفه نمایند  
ایش دایبال این را درین نهادن  
طبعاً بهیج چیزی میگیرند میتوانند  
نیز و بیماره اخیر چیز معمولی قابل  
زیستن نهادند بود نا تجایه کنند بند  
بوده ام در مرحله اول کمی حقوق و فرایم  
بودند و سیله معاش باعث این نفاذ است.  
برای روشن شدن مطلب از وضع مأمورین  
شهریانی مثالی میارم این افراد حقوقشان  
ناجی است مثلاً وقتی درسال ۱۳۶۶  
زمانیکه تصدی اداره امور شهریانی را  
بعد داشتم در از زمانی تبیث از وضع زندگانی  
افراد میلس متوجه شدم که این افراد حقوقی  
حاضر نیست و متعاله ایکمیش رسید

آفایان: بنده بهیج مقام توہین نمی  
کنم و نظر خاصی هم نیست بهیکس نهاد  
منظور فقط چل توجی آفایان باین مسائل  
هم و ناروا بپیشنهاد والته اشنه شودان  
بی تربیتی هاوین نظمه ای اهالی دولت  
حاضر نیست و متعاله ایکمیش رسید

از	گار
خانه	سطله
محترم	(س)
وای	باشد
این	تایید
باور	اقتصاد
مانع	بیشتر
خوا	گرا
اور	نشر
اعلی	اوشن
و مرد	اعلیان
مرد	هر
است	را فخر
رام	اما
و تجا	حقوق
که	شده
ک-	صور
ایشان	و ایند
(س)	از نظر
شریف	ایران
به هنرمند	بگو
تمالی	شده
اگر	تریز
ز هنر	ز هنر
میداد	میکنم
یادا	یادا
داریم	داریم
وارد	نه
نه	گفت

ایرانیان بازد گفتنان  
خانه‌ناتون تویله‌یادی و  
های ذی مدخل تندو  
بین از آنچه نهادن  
م در این کمپیون  
تفقی - لاری بسیار  
طرفی نظر خود را  
که هنوز از نظر حا  
تصویر نامه مظدوه است  
ن نیکمکده مالاز بند  
آوار مانی و بسیار نه  
شگر میکنم و امیدوار  
بندهنگان گلستان دزد  
فرار گیرد در خانه  
نم نظر هشت متر  
می زن بزمایشات مول  
ف فرمائی اشیر  
ع عمالی آن سامان بان  
حضرت همازونی میرزا  
م. م بسیار باستدعا  
م خدمت نکند بقدیم  
اصح است - اخدا  
رئیس - آقای ارد  
پیراسته - آقای  
موش نفرمایند  
مهنی ارباب -  
بیرم بندو پاس ابته  
رس جان آفان غافل  
بیکی از مأموریت هست  
که رهایت حقوق  
ن رهایت حقوق  
چیز است - وندن، ایشان  
این گذومندانه  
تشک ماشان او را که  
مشکوکه میخواهد و کل کل  
تشک ماشان او را که  
چ مردم را زده است که  
واداره میشود اصل  
میکنند که این مصروف  
ن هستند (کریم)  
ایرانیان صفت نفرمایند  
که این مصروف  
که باشد  
میگویند که این مصروف  
آن است که اگر  
آن را بجهت پادشاه  
آن را توجه کرده باشد  
نه که مردم بدبخت که  
زندگانی مثبتی نداشته  
دیگر از مصروفانی  
ش است زیرا این اشیر  
بینند که چهارداز  
دشکور میتوشد و اهل  
این مصروف چه مثنا  
اطیفه مواد اولیه غذا  
م است آفتابگردی خود را

داد جناب آفای  
نمک کرده است  
که از بیت آب  
رت را سنت با بنی  
و استعداد مردم (د)  
س ستریف بیرید  
بیبا و سان بنی  
که هستند اگر  
دولتی که ناظر  
نمک دارند ولایتی  
مطیعیت بخواهد  
مک کرد بند در  
ارهای اسلامی اپریل  
ت که هزینه مردم  
بر راه است انصصار  
ورود را آغاز کرد  
ت که بیک کشواری  
نام مطلع نیز مر کر  
ست به بیرون  
د (اصح) می خواست  
باد است آنجایی  
ش شسته ایلد مردم  
بر وحدت خوب شهر  
که بشدر جنوب  
را باز کرد  
مرست توجه کنید  
شور می شود که  
ناشی از بدختی  
مایانیدگان - این  
اعمالاً این انصصار  
دندانه ای انصادر  
ه صادر دولت هست  
بیکرید و سود  
اد تجییل هم  
صادر مادر انصصار  
که دولت نمی -  
استه بروشیداید  
ت) که این چنانی  
تمام این عوارض  
ستی در انصصار  
د مادر غرفی نداریم  
خانه های بارچه باقی  
بیانی  
بیهوده هست  
مادر کرده  
نم قانون اساسی  
اعشار کمیسیونی  
نم من عمل کنای  
کویم کنایه است  
لکن کنایه و اجرای  
نای وزیر اقتصاد  
بین دفعه های هست  
اده این به سایر  
بطیعی می باشد  
ارد گفتند مثل این

که حق حیات هم بر  
که این حق را چرا داده  
ر که چه وایسته  
نهانی امراض مردمه  
بیلی مایه تناول است  
موهول او بدهند آقا این  
تعارف سایپس را کش  
سرخاب ایران چقدر زیبا  
ازد کانی در خلیلی از  
جگار ایرانی مقنادزی ای  
ادانه این چیزها که از  
رد قابل استفاده نبود در  
iran ایثار شده بود ص  
و استند این چیزها را بی  
کسی تحمل شدید که هیچ  
تجویی اگر وقت باشد  
پوش دیال تا ۱۲ ریال  
بریدند برندن در گلزار  
خلیلی تشویل دادند و  
روختند و میلوانها هم  
ماضی اگر وقت باشد  
نیزه ایش را  
که کسانی که میبینیم  
بر یعنی اینها یادداش میبا  
صل اسلام نشود این  
ست این را یک فکری  
تیجت به بند که نه مخالف  
ارزیدن از هنری ه  
بیلی کوچک است ولی  
بر اینان متول بشوند که  
که انتقاد میکنند که هم  
رش سفید است یا زیبا  
کلک هست باید بیک کار  
نم ملکت بغار نزدیک  
متند کسرمهای شان در دیال  
تو آندر اینجا شاید  
بودند بدمعتمد که با  
شود که تمام این بیول  
تفقید (صحیح است) ایران  
تاریخ ایالات ۱۳۳۱ از ۹ ریال  
سام را سوت دارم و  
من درین و دو حاضر ثابت  
ایال ۲۲ تا ۱۳۳۱ معمال  
دهد بیک هیچو مخصوص  
شود سی ریال بود  
بدورت خردشرا داشت  
اهم هر یکی  
هزار تومان ۴۰۰  
یهند کدام مستقلی  
باید بدهد آپازهم

ددم داده اندمو استقنت  
انه بپردازند و داده اند  
بسازمان بر نهاده که  
ارا تجویل شان بدنه  
میباشد ایشان هم  
آن انصار و اصحاب راه  
نمیگردند که برای  
آن اروات خاطر ممکن  
نم که محدودیت های  
شود رها از فرم مسافت ایشان  
جای افزایش مسافت ایشان  
در دست متفهم و گذیده  
این سرای دلگشا  
احسان جای های هم  
بدنه دند کسی بـ و زانه  
را نمیگردید بلکه روز  
چای را از گلوبونی  
د نو د خیاندیش  
ن بنام مخصوص جای  
گلوبونی ۵ دیال  
سوء استفاده شده  
دو ساعت از مضار  
ی که بخراحته کشور  
دهم تا بداند دولت  
بـ غذای دهنده است بحال  
این بیواره ای سر  
بگیرید بـ دیوان گیر  
از بـ میزند ولی  
بغزراهه مملکت  
اووهـ آفایان تابـ  
کوش رو قابل زدن کـ  
بـ گردید (سعی است)  
اغذیـ را کـ خارج از  
آنکـ های خارج متمـ کـ  
کـ اـ توپـ بـ نـ وـ اـ زـ اـ نـ  
در دارـ اـ اـ اـ مـ نـ اـ بـ اـ جـ اـ دـ  
در مملـ کـ بـ جـ اـ بـ اـ مـ طـ اـ نـ  
بر گـ هـ اـ خـ اـ جـ اـ  
نـ رـ قـ اـ شـ اـ بـ اـ هـ است  
به ۱۰ دـ رـ اـ سـ اـ دـ  
وـ بـ نـ دـ اـ گـ کـ خـ لـ اـ  
کـ لـ کـ اـ مـ اـ سـ اـ لـ اـ  
ـ شـ دـ خـ دـ بـ کـ  
ولـ اـ اـ خـ دـ اـ اـ نـ دـ  
چـ جـ دـ بـ دـ اـ دـ  
ـ باـ شـ دـ کـ اـ رـ اـ بـ اـ  
هزـ اـ زـ تـ وـ مـ اـ نـ  
هزـ اـ زـ تـ وـ مـ اـ نـ  
در اـ بـ اـ هـ اـ سـ تـ چـ نـ  
بـ اـ بـ دـ ۱۴ مـ لـ بـ وـ دـ

بان آفایان و دیگر  
بیکنندگان انصاف ای  
بنده تسلیم و هرسو  
لذاتی یک نیست  
بنادر جنوب نیست  
رئیس آفرینش  
شده است.  
از ارباب پیغام  
مرا بعید بازی ای  
رئیس ریاست  
ایران. یک  
ارباب یکدند  
رئیس نخیر  
صحبت کردیده  
از ارباب بنده  
بینای خواستم بدینم  
یکدینه فده دیگر وقت  
از آقای وزیر داد  
که سال ۹۸ سال  
پیر سوم فرج زاد  
اند و همامی در کار  
من می‌شود بکنند از  
بهشت اجتناب خواه  
وزیر داد گسترش  
مرعوب هم شوندند.  
رئیس آقای  
شوشتري.  
مخصولان از آقای  
از مخبر اداره تبلیغات  
را پیش کی ساخته  
هر سیمکن عیش  
هیین اکر نقصی نهاده  
من می‌شود واگرها  
گفتنه شده باشد من  
جامه درداز در نظر  
معزولی جمله شیلی  
نمایند گان بحترم آقا  
شما سر محروم حیی  
نمایند گان محترم حیی  
اول حضور تان عرض  
می‌کنمن همانطور  
و اراده ادامه و ایدان  
اند در موضوع تبلیغات  
صحیح اگر در مملکت  
اساس و ریشه به  
در افکار  
پاشدن نمی تواند یک  
تعلیل و لزوه میزد امر  
در آید اگر تبلیغات  
می‌کندرم گفته های  
می‌کندرم عقاید آنها  
و ایده آنها فکر  
کرد و شوپ نمی  
جهه من مکرر در  
سردار فاغر و نهاد  
عرض می‌کندرم که اتفاق  
باشد و این نطقها  
پیرای اشکه باک نظر

تاریخ  
زدم و ا  
را میخ  
توهان  
شد که  
از همه  
که میبا  
که این  
آفای ن  
سرایی  
در حکم  
و از  
در سایر  
تنظیم  
محتاج  
و شهود  
پاشد که  
آن روز  
ایام در  
۱۷ هـ  
حال از  
اماکن  
جا بید  
گذشت  
شیرکت  
حرف  
که اینو  
کسانی تو  
یکدیگر  
این د  
چه اش  
داد آید  
یارور  
روشن  
دوم هـ  
مطلوب  
عنیناً  
(عیر)  
بفرمائ  
کوچ  
هـ که  
بنده  
در صور  
خواه  
کند  
من تـ  
بمظلـ  
من  
ما نـقـ  
مردم  
افراد  
میکنـ  
هستـ  
تهراـ  
بود  
سردـ

ایلید ضمایر شهادت کنم که  
امروز نهل و اورونه میز  
که می‌آید و دندن جاویم و  
بودی که مسجد  
امروز مجاهدشی شد  
حالو انداشت بناعلیه  
نکنم پیرای آنس است که ا  
از ضمیوی که آنجا شن  
در گهر است نوه مر  
شده رضوان العمل  
م فرزند من است باو  
او مخواهم که این  
حق بصورت خوبی بتو  
کنند که اگر یک و قنی  
شده افتخار و کلاودیگرا  
دو میلیون و بیست و  
دو هزار و ۶۰۵۱ یاما متع  
م بینی و بین اتمبارازه  
شدن و ساکمال  
اشدند و ساکمال  
م مثل ما ها که در و  
بودیم اینها هم آمد  
حساپی را زدند انصار  
آن افتخار او بین گفته  
آن هستند میخواهند یاری  
کنند که هر روز یک روز  
ایلید میخواهد یاری  
ایلید ملت به فرموده هم  
شناشی هستند هر اصطه  
هز بردهان شهدید  
ایلید که بیدرجهان شد  
بشد این یاک و موسو  
در درجه قتل این را  
حالمه قبل من جناب  
مکتر از ارادتمند آقا  
وچکترم نسبت بهم  
در جلسه قبول موضوع  
برت مجلس قید است  
امت اورا به فرموده اعی  
وشه مخبرین جزا این  
قد صحت میکنم حق  
ایلید که در اینجا  
میشید نهایا شدم تو  
و کلای ملت و سایر ای  
اگر در امری حمامه و ام  
نهند سوابق اینها چیز  
د آن این بود که مر  
آن رحمت الله علیه که  
ایمان مخصوص داشت  
اگر فخر خصوصیت داش

هم آن روز حرفی  
ذش نم فود آن  
نم که: آقا  
نمی: اشتی چه  
بد: مای و خودرا  
و فر: این عرضی  
دو: داراء تبلیغات  
یک: هاست و همان  
یک: حکوم اقامار تعزی  
وابا: های سجادی  
بود: دستور مدهم  
مه: وضعیت تبلیغات  
هند: امر و زعلوی  
که: دولت و ملت  
مر: زن راهنمای بروز  
مح: این مددگی  
ایران: و نکونید که ما  
مش: شرافی در آن  
دای: نبود در دوره  
ملا: گردید با تماس  
پای: شدت  
حاج: دوره ۱۷ مخالف  
در: ثعدهای در آن  
در: تبرافت از حان  
یز: ۱۶ با آنها  
عص: ترسیدند  
نهاد: افتضا دارد  
سی: مذهب شد و اگر  
سه: ذکری دارند  
تفق: فرضیه وانه  
ایشان: این انس  
رس: اینها در مملکت  
فر: بشکلی مستعار  
وت: طلبان دگران  
ط: بایدین چه  
مع: عاست موضوع  
در: که گفتم اگر  
به: اتفاقی میراهسانی  
خ: مدم باین توضیح  
آ: بیط کشند امر  
ک: بندیده از شما  
زم: بان مسم من از  
بو: خدمتکاره است  
او: که گفتم که  
ول: ول اداره تبلیغات  
و: بکرید و لغزیں  
دو: دو حق داشتهند  
دارند: آن راجع  
از: که گفتمه عده از  
بن: این که کردی  
ضیع: پدم که  
من: بن چشمتهن بعضی  
و: و رسمی مدارخله  
ت: ت و اینها کی  
ج: حکوم شیخ سین  
د: هنند دور نمایند  
د: با جناب آمادی  
ش: با پلن طلقی

ت پالطفی حرف  
مشیخ چون تو هرگز  
گفت آقا این  
اید آدمی است  
برن یا کاری کرد  
هر مسلک میدانند  
هر قلم میزد که  
ایران امیرکردند  
عرب و هندوستان  
رمح تمام سامیان  
مرحوم آفاسیه  
اعراب و شیعیان  
میکردند آنکسی  
آن باور نمودند  
زوح آخوند ملا  
د اعلیٰ الشفاهه ما  
سیاسی و اساس  
بیت اختلاف نظر  
مرحوم آخوند  
۱۴۰۰-۱-۱۳  
حوم می‌نشستند و  
مجتبه مسلم و دند  
مند عقب مر سید  
ای اینکه این شق  
یگونه اختلافات  
ضوع نیست بلکه در  
مرت سید شاید در  
زی که نوشته شده  
پیش از مرحوم  
داند این استاد  
این نکته را دقت  
سیوس سید سجده‌اش  
که بزرگواری علی  
که و فیکه نیز خورد  
نیز گیر کرد نیشه  
رسول اکرم مسیح  
دنده چون غرق در  
است بروید در  
باور و دقت  
حال خواستم  
رون حال خواستم  
حوم سید در سجاده  
چخ دیگر این چیزی  
گفت عیش را دیدم  
ان همه‌دانه آتش  
ولی آتش چیکاره  
در دوزندگی از ارش  
یا یک طرف آتش  
سید سید سجده بود  
که مرحوم سید  
کشت . که فردا  
ونفر را بکشند آنها  
ایران اینکه کفتم  
س خیشی که در نماز  
ید لاله‌الاشعان  
بیچ چند میکنند یا  
د آتش بریزد یس  
در دم چه میکند پندج

و الف اینرا اینظرف و  
فرستاده راهی مقام سلطنت  
عمل بکنند چنین آدمی - مک  
یکی در یک روز بگیرد (صنانی) - مک  
آنرا آفاید هر چند فرض خواست  
که کرد مختار ریاست  
معتمد مختار من برای این کلمه  
آنها این امام شارا در داشت  
بکشند گفتم هیچ وقت  
رای میباشد آیا آنوقت باشید  
آنطور سانشید باشید  
نهشون و ستدار ارش بیدا  
گرفته و هفته‌نیز را بیدا  
توهدهای ما بودند آن آن  
هر چند کرد مرموط بدور  
گفتند از تو نیز  
خانه ای هفت روز آجنبی  
بنده سر املاط دادند  
را تو ششم الی ان توی مجله  
سری چندی خواست تو  
هم خلی هست تو  
نهشون و ستدار ارش بیدا  
بیکار آنرا توانده چون  
هم آنرا توانده چون  
بعوانند گفتم این سفاهات  
اعضاه و همراه من است ام  
اینکه برای تاریخ این  
خودمنا نیست همانجا بخواهد  
بزهای سری بیدان در  
بعضی از آقایان سوال ام  
حزب ایران هستی ام  
بروسته است (صیغه)  
من اینطور گفتم این ای  
دکتر جباری از کی  
قبل نگفتم؟ راجا گفتم  
میباشیم و اکر نعلی اید  
را در اینست معه میباشد  
لاحظات بایک را در  
وقت این شرایط همی که  
نمیباشیم از کدام سفارت  
ماشین مسند بودند و میباشد  
آنوقت آقایان نهاینکه  
میفرمودند که مشوش  
و سایل هم را میدانند  
میفهمیدند که این  
است و چنانی د  
بیفهمیدن مبلغ کسی باشد  
بود باین کلمه ای که میباشد  
بیکاران در زمان مصدق  
که ملین و مسکو میباشد  
ما اینشاد نفت از بازار  
گرفته شود و در نتیجه  
بسیور و آنوقت این کلمه  
برای ما از این که از این  
اویت بگذاریم این  
قبل اگر آذار را دادیم  
که من صحیح بگویم  
رئیس - آفای  
تمام شد

**شوشتري** - يك  
بغوافومن اجازه مفهومها  
جازه بدهد امروز اين  
شاید هم تایبادم، دیگر نز  
رقیق - باین شرت  
سبت نفرماید  
**شوشتري** - بدون  
جازه جنابالی علمی نیک  
امرا مشاعط برم که  
امروز گلوی پسر پیغام  
بگذارید گلوی تر کیم  
فرموده فاسقی شریعه من الم  
بنجذبه و قدم راه با  
بسیار  
**رقیق** - پس هم  
بگیرید آناینکه با  
سبت آنی خوشتری  
(اغل بخاستند) تصو  
**شوشتري** - با  
است مهمت همی است  
انوار مادن و آهورا  
در طبیعت معرف فرموده  
تباش در ازمه مختصر  
شوشتري - با  
ارض انحوته های فراراد  
ارض انحوته های فراراد  
عقل بشر بدان دسترس  
پیغام برگم و رسول م  
داد که همیشه بروید  
تاب و مصروف و گیر  
تصحیل هم گشتن با است  
من میزد بکرات آسمان  
مریع همین جاست که  
رسول اسلام چقدر بسی  
فرمایشان را بوحی ال  
لایتنهای خصوص آن فرام  
که مردم برون روی زبان  
وقتی کلم بیدا گردند  
اندوخته های گذاره  
داد است ساخته اند بک  
را برون بیوارند آقا  
آقا میزد او قری رسد به  
انسان را صد عین بینند وقت  
گذشت و شنست شد  
بیدا یکن و مغید واقع  
وقتی است که کردی که خدا  
کردن همین بیزی که خدا  
داده است من این را  
شاید ناتا هد ساز دریک  
انزیتی اتم آثارتی  
ای بیاز کرگم ده مال  
ملکت قفر بماندند  
این رف رادرست  
قبل رادیو مسکو را  
تطبیق میکند یا به  
میر اشاره افی - ر  
نمیغواهد حل شود \*

ای دیگر اجازه  
م و استعفای دادم  
پرایضم را بکنم  
اچم شوو  
که بکماهه دیگر  
آن تردید بدون  
م از هر کس  
هزی آب بیاره دید  
بر شکل است  
با این وامی  
ه بنده میخواهم  
ای دکتر بیرنبا  
بست دفیقه وقت  
بست دفیقه اضافه  
و اضافه فیلم کند  
بیش شد بفرمائید  
ازنی نرسیده  
گشتن باز باورداد  
شادوانه پواکه و  
گوششان باز باورداد  
قدرت الهی برای  
و زمانیکه آنها  
دار نمین و در بعض  
که هوش بشی  
بیدا کند اینکه  
کرم اسلام دستور  
علم از گواه  
ناث و ذکور باید  
که فرمود علم امت  
ها و نکت بتکرمه  
اید دقت کرد که  
ط حقیقت است و  
می و آن گذرنمغای  
بیانات را میفرمود  
علم بیدا بینند و  
بد موقع خود از  
برای آنها قرار  
ید یعنی و بزمیزمن  
ان چه میگویند من  
ایندخورد مهربون اس  
این هم گمازیزیند  
من است میگردد  
اعلام برازدا از انتق  
شود + کمال امر  
اید چید و استفاده  
برایم و دیمه قرار  
نامد برازی به یاریم  
۱۲ سال دیگر  
اعلام برازدا از انتق  
شود + نگردد باش  
نگاهداری کنید  
در زار باشد گاهی  
امان استفاده نکنند  
به گفته های سه سال  
بینند این با او

عهده نتمد که راجع یابن قسمت دولت باید  
مطابق دفعی بگذند و مسلم اشخاصی که  
باید و پس خارج شده اند اینها مسلمانی  
رسیده کنی باست برگردانه سر خدمت  
خودشان اما مطلوبی که لازم است بعرض  
آفایان معتبر بر سامن عرض کردم دولت  
مسئول احتمام کار های اجرائی مملکت  
است و مجلس شورای ملی کارهای تقاضی  
دارد دعوت مستخدمین دولت بکار از وظایف  
دولت است و مقدمات کارشان را دولت  
باید تهیه کنند آفایان استدعا میکنند  
تجویه بفرمانیه که معاوضه کردن  
اگر عده دادن بازنشاهه شدن بون مطالعه  
باشد این بادن بعون مطالعه عهده هم بکار  
برگرداند این تقاضای بندنه است  
**مير اشرافی -** جناب آقای دکتر  
جزیری آخر آن دولت خلبان طبل کرد  
هایتها

**دکتر جزايری -** شما طبل نهکنید  
(مير اشرافی - می خواهیم رفع خصم  
کنیم)

**رئيس -** آقای شایخی  
**شایخی -** جناب آقای تقاضای راجع  
به کفایات مدر کرات صحبت کردند و با  
همان اختصاری که مومنه اند صولاً این  
موضوع را تبامیم من از نظر کارگری  
و حقیقت امر توجه و تعلیل کردند بنده اولاً  
آفایان میگسانم که مجلس شورای ملی  
خودش بکار است باید

**رئيس -** آقای دکتر جزايری در  
کفایات مدر کرات صحبت بفرمانیه  
**دکتر جزايری -** در کفایات  
مذا کرات بایستی این مصالح کفته بشود  
و مقصودم این است که این طبل باید  
نه که داده شود بلطف دیگری که در  
آخر این کراوش هست مداخله در امر  
ارتش است

**رئيس -** آقای دکتر جزايری هر  
شما در ماد صحبت بکنید

**دکتر جزايری -** بندنه راجع به  
کلیات دارم عرض میکنم که این طبل بایس  
بندنه بخواهیم عرض کنیم که در کلیات این  
مطلوب صحبت شده است لذا بندنه مخالفنم  
(عامیل - بک عده بعنوان طبل شده باید  
حقشان داده شود)

**رئيس -** وقت بکنید در ماده اول  
صحبت اینه را که کفته بشود و بکایات  
مذا کرات آفایان که بکایات مذا کرات  
موافقه قیام بفرمانیه (اکثر بر خاستند)  
تصویب شد آقای شایخی فاطمی شما در کلیات  
اجازه خواهید داده اینه باید داده اول ؟

**دکتر جزايری -** بندنه اصلاً  
اجازه بخواستم

**رئيس -** رأی کرفته مشود برو و در  
شور و مادر و اینه فیلم زمانه (اگل بر خاستند)  
تصویب شد ماده اول طبر است کسی  
اجازه نخواسته است اما دکتر جزايری  
بفرمانیه حالا بپوایه صحبت کنید  
(شایخی - بندنه اجازه خواستم) موافقه شد  
مقرح است ) شما بعنوان موافقه این  
نوشته اید

**دکتر جزايری -** در هر صورت بندنه

اعوال مملکت خودشان تصدیق بفرمانیه  
ایجاد میکند که اصلات در این مملکت  
بیود ایجاد میکند که از مخدومین درست  
کار شویق بشود و اگر خدای نکرده  
مستخدمین واقع ایجاد وظیفه نکرده و حسن  
رفتاری نداشته باشد بیک صورتی باید  
بغضت اوغانه داده بشود بندنه نیتی خواهم  
بکویم هست در زمان آغاز دکتر صلاحیت  
حب و پیغام بکار رفته است تمهیں بغض خود  
بنده هست امایمی خواهم عرض کنیم که اگر  
در آن دوران اتفاقاً کاری شده که کار دولت  
های خلوی دو اتهامیه باشد این بدانیل  
بدست خودمان و بایک اسلامی این را  
رسی خواهیم داشت اینه بجهات اینه  
شون عرض میکنم حدود آفایان تصدیق  
میر فرمایند که امروز از نظر این مملکت  
بالاخره بکار رفته ای از نظر شکلات باید  
بیود بیک فکری از نظر سازمان باید بشود  
بیک فکری از نظر تعداد کارمندان باید  
بیود بیک کاری شده است بیوایت بفرمانیه  
همانطور که در سایر قوانین آشنازی  
رسیده که مینکند باین کار رسیده کی کنند  
جزا این میگسانم که مجلس شورای ملی  
خودش بکار است باید

**رئيس -** آقای دکتر جزايری در  
کفایات مدر کرات صحبت بفرمانیه

**دکتر جزايری -** در کفایات  
مذا کرات بایستی این مصالح کفته بشود  
و مقصودم این است که این طبل باید  
نه که داده شود بلطف دیگری که در  
آخر این کراوش هست مداخله در امر  
ارتش است

**رئيس -** آقای دکتر جزايری هر  
شما در ماد صحبت بکنید

**دکتر جزايری -** بندنه راجع به  
کلیات دارم عرض میکنم که این طبل بایس  
بندنه بخواهیم عرض کنیم که در کلیات این  
مطلوب صحبت شده است لذا بندنه مخالفنم  
(عامیل - بک عده بعنوان طبل شده باید  
حقشان داده شود)

**رئيس -** وقت بکنید در ماده اول  
صحبت اینه را که کفته بشود و بکایات  
مذا کرات آفایان که بکایات مذا کرات  
موافقه قیام بفرمانیه (اکثر بر خاستند)  
تصویب شد آقای شایخی فاطمی شما در کلیات  
اجازه خواهید داده اینه باید داده اول ؟

**دکتر جزايری -** بندنه اصلاً  
اجازه بخواستم

**رئيس -** رأی کرفته مشود برو و در  
شور و مادر و اینه فیلم زمانه (اگل بر خاستند)  
تصویب شد ماده اول طبر است کسی  
اجازه نخواسته است اما دکتر جزايری  
بفرمانیه حالا بپوایه صحبت کنید  
(شایخی - بندنه اجازه خواستم) موافقه شد  
مقرح است ) شما بعنوان موافقه این  
نوشته اید

**دکتر جزايری -** در هر صورت بندنه

موافق روی این لایحه لاله لایحه لکر کردن  
حاصل دلایل بخواهیم انتصار یکی این بود  
که بازنشستگی نیابتی کارگرانی که در  
معدان انارک گار کارگرانی که در  
جهنم باشند و این طرح هم بهترین طرزی  
است که هم اختلافات را زاید بوده  
سب می شود که از این معدان طبق بیک  
برنامه فنی صحیح بهره برداری شود  
(صحیح است) متأسفانه دولت تا حالا باید و داد  
که ممکن است اعمال ببندند  
در آن دوران اتفاقاً کاری شده که کار دولت  
(صحیح است) جهانم این بود که اعمال  
غیر شده و اعصاب که هنوز بین بازنشستگی  
بررسیه اند بازنشاهه شده اند بیک  
بود که جماعتی بیل خود بازنشسته شدند  
و میل نداشته باشند که درگزند چه اجرایی است  
باشند این حاصل نظریه اند بیک  
مخالف و موقوع اظهار غیره کردن در این  
چهارماده بصر معمولی که بسرمه و پیش از  
تأمین شده است (صادر از نواقص زیاد  
دارد) و ناویگه هم اگر دارد بیشنهاد  
زیادی از آفایان رسیده است ایام بفرمانیه  
که از اینه بخواهیم داده اینه فرموده  
در کلیات کافی باشد و اراده بیشنهاد  
بشویم (صحیح است)

**رئيس -** آقای دکتر جزايری این دنباله  
پیدا میکنند

**رضايانی -** از اول فرمایشان نسبت  
به بندنه بود و اجازه بفرمانیه بندند جواب  
بدهم بادراین جلسه بازدیده اینه آیند  
**رئيس -** ایشان تحریفی نکردن سوه  
تبييدهم نکردن برایان را که افتخار نمایند  
آقای دکتر پيرزينا و بازدید جواب آقای رضائي  
هم نشوده

**دکتر پيرزينا -** بسیار خوب یکی از  
کارهای دولت بخواهیم اینه طرح  
را مطالعه شده باشند و از اینه بخواهند که  
چهین نشده است آفایان محترم خوب بندنه  
ما داریم که در اینه شناسند بندنه معتقد دولت هست  
را می شناسند بندنه معتقد دولت هست  
که برای او اینه مرتباً افتخار نمایند گوید  
که در ادامه امسال سال سام خدمتگذاری این  
حاب بدوایت است (نور ایمان امامی - سی  
ساز ات - سی) سی سال امانت از هرمه  
امسال بندند وارد سام اینه شناسند  
ام و امروزام که بندنه از اتفاقی اینه بک  
سال هم تقاضای تقاضای بکنم و باز نشته  
بیشون آفایان میدانند در تامدروان حکومت  
آقای دکتر مصدق بیشنهاد بکار بوده  
(اصد) در موافقه که بندنه ماه ۶۱۴ تومن  
برای برداخت افتخار بالکارهانی برای خانه  
بسیصد هزاری که با قرض از بانک رهنی  
توبه کرده بودم ابتدا در تامدروان حقوقی  
داد نمیشه که تومن اینه ۶۱۴ تومن را  
برداخت اینه من در دوران آقای دکتر  
مصدق سخت ترین و ضریع از نظر زندگی  
داشتم آفایان بدانند که بندنه متعی غایبی  
دیگری غیر از حقوق دولت و حاکم حقوق  
نمایند کی که کامی هم جرم میشون غایبی  
دیگری ندارم (هدایا صاحب صفاتی - جرمیه  
را از آفایان که مطرح شده مخالفو  
پکنمند این لایحه که مطرح شده مخالفو

مطابقی که مربوط بعوزه ازتهایی به نامه  
ورجیو باشد بجهه برداری از معاون اداری  
و اداری یکی از مشتملیهای وزیر ازتهایی  
بند هاست و نهاده متفاوت است چند کله در راه  
خصوص حضور آذایان مردم یکی از اینهاست  
نهاده ملکت از اسماهای افاده کننده خوش  
دارند و وضع زندگی مردم از تعلیم با آنها  
اقتصاد محلي دارد بعضی جاهالت از لعنه  
وغوف آب و وضع کشاورزی کاربرد مردم کارهای  
کشاورزی است ولی منطقه اداری یکی از اینهاست  
فوق العاده بی ای ایست و در آنجا بروج  
و سیله کشاورزی موحد است مردم اداری ناجا  
رسانی بجهه برداری از معاون امور اراضی  
بگذشت و معاشران را بایوسیله اینهاست  
بطوری که بجهه برداری از معاون اداری  
آن منطقه را با فرض غرایاند خواه  
ازارک همان موقعی را که مثلاً برخی از اینها  
برای کلکن دارد با فرض غرایاند خواه  
برای خودستان داروهای روان و ضمیمه اینهاست  
آن منطقه را با فرض برداری از معاون ادار  
بنابراین همانطور که معرفت شد مردم گلای  
رازهای برداری از اینهاست و همچنان معرفت  
و این کار را با بدست دوات داده شده و در  
ازارک همان موقعی را که مثلاً برخی از اینها  
کرد و یکتا برداز آنهاست که در داده  
بدست دوات متفهم کار کار کشاورزی بدانند  
معاون در مقامهای اش کار کشاورزی ایست  
اشکال بزرگ دارد اولاً اشکال ایش  
که در موقع بجهه برداری از معاون تقسیم  
مفنن مقامات گوچکتر میسر بسته همان  
ظرفیت کشاورزی در کار کشاورزی ایش  
محلی ۱۸ بودن این که بفرانز بکر وی  
حق کارمندی را بخواهد تقسیم کند  
(صحیح است) انشاعله فدمی بر میاروند  
مه کارمندان راضی شوند و کارگران میشون  
طریق من مردم بکر وی و دات خانه اداری  
ایشکار باید کار کشاورزی و دات خانه اداری  
دوایتی سوابق اخفاش و اعمال آنها را با  
تسان با کار آغاز کنند و درین بیرون بدان  
که وقتی بیرون آوردنیک تضمیم عامل در  
ازارک همان را که مثلاً برخی از اینهاست  
که در موضع بجهه برداری از اینهاست  
درین بزرگ دارد اما کار کشاورزی ایش  
اشکال ایشان صحیح است ماد این  
محلی ۱۸ بودن این که بفرانز بکر وی  
کنند و امام اسلاط قبیل آنها را بخواهد  
تشکیل بدهند و همه اهل محل و همه شرک  
های بجهه برداری در اینهاست کار شرک ایش  
موده اند که اقدام باینکار خیلی مشکل  
فرموده اند که اقدام باینکار خیلی مشکل  
است و علت هم اختلافاتی است که در موضع  
موجود است چه از احاطه قابید مذهبی  
از احاطه رفاقتیهای ایشان در کار کشاورزی  
متغیر است که در این اختلافات  
بنابراین این اختلاف در ایجاد مکاری  
و ایجاد از این معاون اداری از هزار  
برداری از این معاون ایشان ممکن بایجاد کرد  
و متغیر است که ایجاد مشکل ایشان را  
حتی بجهه مردم موافی هم کشیده شده  
به علاوه اشکال دیگری که دارد ایش است  
بعده برداری از معاون ایشان را ایجاد کرد  
مشکل از بجهه برداری از آن و خالک  
کشاورزی است و انتیج با اعلانات فتو  
یعنی انتیج بجهه ایشان را که دارد ایش  
بنابراین دوات باید در اینکار مداخله  
داشته باشد و نظارت کند بجهه ایش  
روی این اختلاف و روی اینکه دوات نمی  
توانند مردم اداری را ایشانکرد  
مداخله داشت باشند معمول بکنند یک طبقه  
بدوات تغییر کردم که بک شرکت تابس  
پشود که ۲۰ درصد سهامش متفاوت

کم هم اینها آنقدر هم شهود بکند  
گفتند لایحه نفت آمده و مقصود اساسی  
ما شاید نباشد امداد وام که اینکار میکند  
خوش بگذرد و قیمت که این بمورت خوش  
گذشت من آذایان از حرفا را بمزید زدند  
نتیجه میخواهیم بگیرم، نایابند کان مفتر  
باید فکر بکنید، بند عقیده بینید که  
در سال اول و دوم نصف این درآمد ها  
باید صرف خرید سفروق کارمندان زانی که  
نشیخی میکند در اداره هستند بخودش  
عقب شغل آزاد حالا میکن این نظریات  
نمایانه کان مفترم روی اصول دیگری باشد  
اینها فکر بکنید دیگر این که من در جلسه  
پیشواهارات سلطنتی، اینها میخواهیم  
چکنید، کارمندان را میکرند را بخواهند  
جناب آفای نظریت شریف آوردند آنای  
ترینی من نظری دارم دوات مصر کردد و دلت  
ایرانی کارگران مردم را در ۴۲ ساعت  
خانیشند که قابل برخیار میگردند  
روی بروند مشخص شدند که درین  
ملکت که گرداند باید اینها ارتباخت  
ایرانی مردم بکنید و زندانی ایرانی که میشون  
طریق من مردم بکر وی را در دیگر  
ایشکار باید کار کشاورزی و دات خانه اداری  
دوایتی سوابق اخفاش و اعمال آنها را با  
تسان با کار آغاز کنند و درین بیرون بدان  
که وقتی بیرون آوردنیک تضمیم عامل در  
ازارک همان را که مثلاً برخی از اینهاست  
که در موضع بجهه برداری از اینهاست  
درین بزرگ دارد اما کار کشاورزی ایش  
اشکال ایشان صحیح است ماد این  
محلی ۱۸ بودن این که بفرانز بکر وی  
حق کارمندی را بخواهد تقسیم کند  
(صحیح است) انشاعله فدمی بر میاروند  
مه کارمندان راضی شوند و کارگران میشون  
طریق من مردم بکر وی و دات خانه اداری  
ایشکار باید کار کشاورزی و دات خانه اداری  
دوایتی سوابق اخفاش و اعمال آنها را با  
تسان با کار آغاز کنند و درین بیرون بدان  
که وقتی بیرون آوردنیک تضمیم عامل در  
ازارک همان را که مثلاً برخی از اینهاست  
که در موضع بجهه برداری از اینهاست  
درین بزرگ دارد اما کار کشاورزی ایش  
اشکال ایشان صحیح است ماد این  
محلی ۱۸ بودن این که بفرانز بکر وی  
کنند و امام اسلاط قبیل آنها را بخواهد  
تشکیل بدهند و همه اهل محل و همه شرک  
های بجهه برداری در اینهاست کار شرک ایش  
موده اند که اقدام باینکار خیلی مشکل  
فرموده اند که اقدام باینکار خیلی مشکل  
است و علت هم اختلافاتی است که در موضع  
موجود است چه از احاطه قابید مذهبی  
از احاطه رفاقتیهای ایشان در کار کشاورزی  
متغیر است که ایجاد مشکل ایشان را  
بنابراین دوات باید در اینکار مداخله  
داشته باشد و نظارت کند بجهه ایش  
روی این اختلاف و روی اینکه دوات نمی  
توانند مردم اداری را ایشانکرد  
مداخله داشت باشند معمول بکنند یک طبقه  
بدوات تغییر کردم که داشتم راجع بجهه ایش  
بند هر رضی که داشتم راجع بجهه ایش  
بود که در جلسه روز چهارشنبه مکار معترم  
جناب آفای رضانی فرمودند راجع بجهه

کم هم اینها آنقدر هم شهود بکند  
برخلاف قانون، برخلاف گفته خودشان  
که اینجا برایه میکنند که نایابند اسکناس  
منشتر بشود ۲۰ میلیون اسکناس منشتر  
کنند آنقدر این حرفا را بمزید زندند  
شامت از اینجهای اینها فکر نمی کنند،  
و زندون را ندند. آذایان اهل حساب هستند  
خیال میکنند که ادامه عصیه باشد اینها میکنند  
تیول خوشان فقر بدهند و مردم فربی  
کنند. و مردم از اداره از معرفت کنند  
باشه بلهذا اک اداره تبلیغ کنند  
های اینها، صور تبلیغه آنها را که  
مصدق گفته، آنها را که شایگان گفته،  
آنها گفته از نفعهای خودشان در مجلس  
بریون بیرون آنقدر معلوم میشود این  
آذایان یکستور را اهل میکنند و آنهم  
دستور یکاه است (یکشند از اینها گردند)  
مکار حالا نمیکنند (حالا من گوییم  
بیرون ند که مردم در اینجا گردند و چو  
میکنند من گفته همه زار میلیون دلار،  
و درگران حساب دهند و هزار میلیون دلار  
آذایان، آفای اقایی پادشاه میاروند  
جه کنید بینهایت عالی همچنانی همچنانی  
دشن مملکتی اینطور املاط ایشان را  
میگویند (صحیح است) بند چه آفای  
یکشند بکنند خود را اینست اندلیل که  
ایرانی کارگران بکنند و دات خانه اداری  
اداره تبلیغات و چه روز نهادند.  
رئیس آفای شوشتري اینجا بجز خودشان را  
و تبلیغات اشاره نمیکند خودشان را  
بزنید.

هو شهري - اشاره نمیکنم.  
شمی قات آبادی - آفای اداره  
تبلیغات اینجا نیست.

هو شهري - مراد ایش است که آفایان  
بروند عرضی مرا بگویند و این را ثبت  
کنند و امام اسلاط قبیل آنها را میاروند  
بیشتر بر صندوق صادرات فرقه بکم آنقدر  
اینها فکر ایرانی کشند بشوند. این یک  
ضرورش، یک ضرور بکنند که این ناشایخانی  
است که در جامعه پیدا شده است دختر  
سبتی و بزرگ نیز بشوند پسر از اینهاست  
بی ادر، شاگرد نسبت بعلم اساهه میکند  
و تجسس بچشمده وله باله اینها نوی  
در ما اینچورها بیوی بیوی هم زاید  
آنقدر است و دکر اینکه ما یک در آمد  
مردم داریم، آفای حاج عزالصالح که  
چند منتهی وزیر بودی ما یک در آمد معمولی  
میشان کردند زد آقا لاتا خذ که هم را  
باید این زایقین که دستگرد میشوند و  
دستیاران آنها مجازات بشوند و باید  
بکنند آقایان اینهاست دختر شکر که نه  
هم شروع میکنند بفرعها و اعمالی که بعداً  
برای شا غیر بیش میانی نداشت بشوند  
مادرین حال قلابه بیعته روای باده  
چند کل و توسمه چنانها

رئیس آفای هایان (صحیح است) اک بجهه ایش  
دک تیرپری نیا - بالظاهر شکر از  
جناب آفای شوشتري که بتجهیز ایرانی  
اشفاع اش را باید اصطلاح فرمودند ایش  
صفایی - بند هم درین راه کوش کردم  
بنده رضی که داشتم راجع بجهه ایش  
بود که در جلسه روز چهارشنبه بوده و خواهد  
جناب آفای رضانی فرمودند راجع بجهه

شده اند ایران بیست و بک شرکت تابس  
شوشتري میسد - میلیون اسکناس  
(اشاعله ایش است) دیگر آنکه آفایان  
را بگویند (بدلم آقا اجلو همراه باشد) اعرض

وجه می فرمائید که از نایاندگان روزی که این طرح تقدیم شد، نهادهای امنیتی که این امضاء کردهند پیروی از این اصل سلم بود و آن می‌گذرد که دوره هجهنم مجلس ملی علاوه بر گزینین قدم دار در راه قانون اساسی برداشت و این مجلس اعطا اخترات را در دوره گذشته بر اصول بوده و هر عملی که ناشی از این باشد بطور کلی با منطق مشروطه پارلamentarی منطبق نیست من مقدمه با قانون اختیارات هیچگونه دليل برای طرح این طرح خواهد گذاشت و نهایاً برای این تقدیم شده بست برای این است لواخبارات که توصیب شد تمام مستخدم شاغل شناخته می‌وئند این تمام قوانین ناشی از اختیارات کانگره هستند جون درین بست بودیم بدین داده شد که اوایلی را که مقدمه میدهاد از تقریر حقوقی مکتبه از این حق از مردم تعییت شده باشد آن که برای الفای اختیارات است هما جناب آفای فراموشی میرفایند هنا اما یک وضع غیر عادی در مالکیت شده و درستهای حقوقی بر ایشان بیان را بگذارد آنها غلط بود و با است را بود از طرف فیل طرحی مدعه ای مفید را برآورده مجلس (عبدالرحمان فرن دولت همیشه میتواند واجازه دارد را بگذارد آنها غلط بود) و با است که اگر یکجا تصمیم گرفته میشند فواین ناشی از اختیارات است هما برای اشخاص ایجاد شده بود کان است دور از آن مجلس بود و بی بود از طرف فیل طرحی مدعه ای نمایندگان تهیه کردند رفت، بگوییم در کمپیوشن استفاده مرور درسته کی و آورده نمیجلس اساس این طرح از اعاده مستخدمنی که بعنوان باز تصفیه شده اند قانون کرده درمن بازنشستگی تعیین کردند میتوان باز بازنشستگی الرام است یعنی دولت است که مستخدمنی که بین ۷-۸ سال بهش بگویید آقا برخانه ات بش اساس نمین خدمت حقوق را بگیر کن قسم دوم کسانی هستند که سایه خدمت مهنتوایار ۲ سال میگذرد و شصت سال من داشته باشند دوا این دسته را هم بازنشسته کند با بازنشستگی که بین ۷-۸ سال اعمال بشود و حق هم همینسان کس که بین بازنشستگی رسید بشود که جوانان تحصیل کرده خیابانها را معمرون بینند و باز این پنج اجتماع استفاده بشود آقای دکتر جعیل بری در حکومت یک عدد که کر تجهیل کرده از خیابانها ۴۰ سال و ۶۰ ساله

گاشتنند سه سال سابقه خدمت هم بیشتر  
نداشتند اینرا بهجه مشود حمل کردند تصدیق  
میر ماینند که در اینجا مجموعه بنت در کاربوده  
لالاحظه نفر ماید آمدنده باستفاده از اخبارات  
تصویب کردند و اختیار دادند بیک شخصی  
جنشی اولاً بظاهرن با فرض اینکه اخبارات قابل  
شد قابل اعمال و اجرای این اخبارات آفاید کنتر  
با این کی مصدق قابل و اکناری نبوده است دست کشتر -  
تصویب خلاف مصدق بر فرض اینکه قانون اخبارات را  
صحیح بدانم که اصلاین فرض طبق تصویب  
دوره ۱۸ مجلس شورای ملی صحیح نیست  
اخبارات را خودش توانسته است عمل  
یکنند آمدنند اختیار دادند بشهردار و فوت که  
شهردار و فوت بتواند بدون رعایت هیچگونه  
سابقه ای هر کس را که داش خواست  
کنار بگذارد یکمde از فعال ترین ولایت  
ترین افراد را که من استثنان را نمی برم  
کنار گذاشتند آمدنند در تیت استاده مدیر  
کل بنت اختیار دادند که هر کس را که  
داش خواست کنار بگذارد آقامطابرات  
روی فرض شخصی اگر یک مرجمی یک  
اصلی یک رویهای روی بازنشستگی این  
اشخاص ایجاد و اعمال میشد شاید مجلس  
شورای ملی در مقام این فکر بر نیامد  
اول مرتبه جناب آقای بیرشرا فانی این  
طرح را تکمیل کرده بود و باهم نمایندگان  
صحبت کردند معلوم شدی عدالتی شد هاست  
نسبت بیک دسته افسن از اتش (فرم امریزی- این  
زودتر ۱۷ فکر را آقای مشایخی ما در دوره  
داشتم) میخواهم عرض کنم که فعلایاک  
عقلی است که از ازتر رکلی و فوتی که قانون  
اخبارات لغو شده این موضوع تعزیز کردن  
این مواد شده پیورده است غالباً پایه  
یک ترتیبی بخواهد بتدشود که بعده ای تباع  
معنی جراث شدید باشد و باهم رهبر تکی  
پیکی عدالتی دیگر نشده باشیم قانون  
مجازات عمومی کی کویه یکی از  
اجماعی است و یکی از موضوعات محرومیت  
از حقوق اجتماعی معرفی است از خدمات  
دولتی است این آقایان بعنوان محرومیت  
از خدمات دولتی کنار گذاشته اند به عنوان  
اینکه سن قانونی بیندگاره اند و باید  
با از شنسه بشون تصدیق فرم فرماید عدالت  
ایجاب میکنند که اینها باید اعاده حیثیت  
بیکنند ممکنی این گزارش که تهی شده  
نواقصی دارد نفس اوش در مقدمه نوشته  
شده است که کسانی که خودشان تقاضای  
بازنشستگی کرده اند مشمول این طرح  
بیستند این یک کی بعده ای است چرا؟  
برای اینکه کسانیکه خودشان تقاضا  
کرده اند بطور و غیره بنامده اند تقاضای  
بازنشستگی بیکنند آقایان بند معمول  
منظر خدمت وزارت دارای بودن بهم  
مستخدم دولت هستم آقای کاظمی وزیر دارای  
وقت بنی بیام داد تقاضای بازنشستگی کنید  
کنتم اگر نکنم حقیق انتظار خدمتم

مبارزه شدید بکیفیت (یده اشراقی) - چرا  
داتشیم خلیلی مارا یی جرات معرفی نفرماید  
(عبدالصاحب صفائی) اظهار جرأت کردید  
من خودم جرات آید که در مردم آنوقت حالما  
اینجا نشسته باشیم یک عدد از آنهایی که  
با مان بشنو همکاری کردند و دو مشتمان اینطور  
باشد آقایان من با کسی غرضی ندارم «اعلام  
جرم کردیم توی مجلس و این اعلام جرم ما  
توی مجلس هست باشخاییکه مغارج  
رف اند را دادنده اعلام جرم کردیم اینها  
عالیترین مقام این دوست را شغال کردند  
یک کسانی که رف انهم را اداره کردند علیه  
ما ویرایی اتفاق افتاد سلطنت مشروطه عمل  
کردند بالایترین مقام این مملکت دست  
آنهاست و اینها مواسبان ما را درست  
نمیهند آنوقت کسانی که در روز سختی در  
روزیکه خطرناک در کنگره بود آمدند  
برون و مبارزه کردند و بیش مارا گرفتند  
که ما مبارزه کردند فانوی بکیفیت ما مصوبت  
داشتم نمیتوانستند مارا بکیر نمیصوبتند از  
دست دولت داشتم و لی مصوبت از دست  
رجاه از دست چاقو کش از دست نیدم  
حریر فروش و سیع یکاب فروش از دست  
اینها نداشتم ما بوضه بشتبانی از اینها  
در رخاخ مصوبت بیدا کردیم آنوقت اینها  
بکار برآوردند و آنها سر کار باشند و ما هم اینجا  
نشسته باشیم (صحیح است). احسنت و عمل  
دولت اپیق را تصدیق بکیفیت (صحیح است)  
این طرح و لاهه سرتایا صدقی عمل دکتر  
مصنف عنیتی اینش اکر اینچور است  
مطالعه کنید آتش اش اکر آنچور است مطالعه  
کنید اکر قانون اختیارات د کرمه مصدق امور  
است اینهمان فرو است برای چه مطالعه کنیم  
اکر باید مردی اعمال غلطی کرده است شما  
هم کفید غلط است دیگر شام است بموجب  
دانی که ابابقوش داده ایم آنها بالقوه بر  
گشتند اندامه اند و تمام آنهایی که بازنشسته  
کرده د کرمه مصدق باید بکردند همانوقت  
که مارای بلوغ اختیارات دادیم اینها اصلا  
بالقوه بر گشتند اندامه رخشد است (صحیح است)  
علت اینکه من مخالفت کرده باید کنایه اند اگر  
برایی اینست که ترسیدم آقایان یک دفعه ای  
بدنه بیک چیزی که صحیح نیست آقایان  
بمدشان بیاید آن روزی که یافقیم بودند یا  
از خرس جانهان معاشات میکردند بازدح الا  
یاد بپارید از آنهاییکه آنزو زده آمدند و  
سینه شان را سیر کردند من همیچ کار ندارم  
نام اینها باید بکردند نهدمت برای اینکه  
همانها بودند که این رذیم راهوش کردند  
و قوم اول را ثبت کردند (صحیح است)  
احسنست

رئیس - آنای مغیر  
فرامرنی - من مخالفت دم پس  
گرفته  
لرافقی (هظیر کمیشیون) - حضرت  
اندیشه ای  
دشت اند  
رخانه ای  
و شت اند  
تخدمین  
تخدمین  
اشته اند  
مالاطر  
دینه بسره  
خود نمیهم  
موم طبقات  
و غیره مرا  
ز طرف  
بدونه  
میکنم که  
جامع تر  
اول کافی  
پیشنهادات  
قرابت  
هاد گفایت  
مداد مغایم)

کشور با تهاب، دلیل ویوان مزبور و دلیل  
کار گشتن مربوطه تشکیل شود...  
**مشایخی** - من بیشتر ام را پس  
گرفتم.  
**رئیس** - بیشتر اد و یکسری فرات  
می شود.  
**(شرح زیر فرات شد)**  
این جای بیشتر میگشتم که بعای  
ماهه اول و پیچه مواد ماهه واحده زیر فرات  
گردید.  
ماهه واحده که کارمندان دولت اهم  
از اشکنیو و کشوری و قضائی کمطی معوبات  
دستور مصدق بازنشسته اند چون بازنشسته  
آنها باشون مومن تصفیه تغذیه ای باطل است  
اعاده حیثیت بازنشستگی آنان ملته و  
مستخدم رسی و بازنشستگی آنها مسوب شوند و  
دوات مسکفت است طرف یک ماه  
در مر وزارت اخراج کمیسیون تشکیل و برونده  
کارمندان مزبور را زیر نظر آن کمیسیون  
بکاربرانه باید که وقیق هر کدام آذنان  
واجد شرایط بازنشستگی باشد طبق قانون  
استخدان بازنشسته شوند عاملی.  
**رئیس** - بیشتر اد و یکسری فرات مشود  
(اینطور خوانده شد)  
پس بیشتر اد و یکسری فرات مشود  
بجای گزارش بیشتر اد کمیسیون امور  
استخدام مطرح و تصویب گردد.  
ماهه واحده - تضمینات دوات سابق  
منی بر بازنشستگی قضائی و کارمندان کشوری  
و افسران ارشت و اندامی و شهریانی  
کلم میکنند میشود و قوانین بازنشستگی  
سابق بوقت خود ایقی است تصریه، کسانیکه  
طبق تضمینات دوات سابق بازنشسته شده اند  
در صورت لزوم در طرف یکاه از طرف  
دوات دعوه باختدمت مشود، بزرگ اهله اینی  
**رئیس** - بیشتر اد خوانده شد  
(قرار ذیل خوانده شد)  
رواست معمتم مجلس زور ایلانی  
بیشتر اد میگشتم ماهه واحده زیر پادر  
تبصره آن بیان مجوع مواد و تصریه  
بلایه بازنشستگان طرح و تصویب شود.  
ماهه واحده که کارمندان دولت اهم  
از اداری و قضائی و شکرگی که در دوره  
نخست وزیری آقای امداد مصدق بعنوان  
تصفیه پایان بازنشستگی (لوگو) مواسط خوشان  
از کار بر کاران شده و پایه دلیل رتبه رفاقت  
بوضیع استخدانی قابل خودگاشت شد  
میشوند. دوات مسکفت است طرف دوام  
از تاریخ تصویب این قانون اشخاص امیره  
را در صورت تقاضا بکار بروت نماید.  
مدبول این ماهه مانع از آن نخواهد بود  
که چنانچه از مشمولین اینقانون تخلفات و  
سوعده مترانی شهود باشد طبق مقررات این  
قانون مورد تقبیب و مجازات فر کار گردید  
تصریه ۱- بازنشستگان که میگشند خدمت  
و عمر آنان با مقررات قانون بازنشستگی  
طابتقت داشتمشمول این قانون نباشند

تصریح - افسراییک بدهون خلاصه  
شخصی و اقبالاز احرار از شرایط بازنگشتن گشته  
از عاز سال ۱۴۲۷ بازنشسته شده مدنظر  
مشمول این قانون بود و وزارت جنگ گفتار و اند  
در صورت اختیار طرف مدد و مامض مقرر آنها  
را پسندید اضافه نماید. صادر سمه  
پیر استه - بنده مصالتم  
عبداللصا حب صفائی - بنده هم  
مشابه ننم  
رقیس - دیواره اجراخ خواستن لزومی  
ندارد اسم آقایان بدانداشت شده  
میر اشرفی - بنده موافق  
بهادری - پسندید هرس دارم  
رقیس - آنای سرمد  
سرمه - ابا زاده بفرمانید یکمتر به  
دیگر فراتش بشود چون بعیض از آقایان  
قدیمه دارند که یکمتر به دیگر فراتش بشود.  
رقیس - وقتی بینواهیم رای یکمیر  
یکباره از قرار امتحان شود، بفرمانید تو پیشنهاد  
را پسندید .

سرمه - پیشنهاد که بامدادی  
بنده تقدیم شده جامع نظر بررسی  
اکثر آقایان بوده چون ممکن است مدد ایم  
مخالف باشد ولی پیشنهاد باین صورت  
در آدم که نظر بررسی و مطلع آقایان در دراس  
این طرح و مذاکره در اطراف این پیشنهاد  
و راهیات حقوق ایندسته و رعایت اصول بشود  
منطق این پیشنهاد یکنفر پیشتر نیست  
و آن مبارز از اینست که در حکومت  
دو مکاری راه مجازات یا تشویق همان  
راه اصولی است که برای تمام مردم  
گذاشته اند. منطق اینکه یکنفر نیاید به  
دعوی صلاحیت بخدماتی را تکنیر سیاسی  
یکنفر استفاده ایکنند این در  
حکومت دو مکاری غلط است. بنده  
مبالغه نمیکنم که بکویم ۹۰ درصد این  
آقایان صحیح اند ذیر از اطراف آنها هم  
که سر کار نشته اند بینظیر وند، شاید  
۹۰ درصد اشان فاسد باشند اگر ده نفر  
صلاحیت دارند که بین آنها بشان بر اساس اصول  
عدالت ظلم است ماده ای را که یکنفر از  
ده نفر از این پیشنهاد است ما تمام این مدد  
را پسندید مکونکه در قانون مجازات  
این مصطلح است که اگر ۹۰ نفر معمول مسلم  
بواسطه نقم دلبل بر تبره بشوند به عدالت  
زدیکیت است تا یکنفر کسانی برخلاف  
حق محکوم بشود (است) این امتیاز  
حکومت دو مکاری با حکومت چکه و  
تکنفر است. بنده بر اساس اتفاقهای بین  
اصل - بدهون اینکه وارد شخصیت شدوم  
متقدم که مرا زاید اصول را بکنیم و یه  
حکومت دو مکاری افکارهای مقدمه بکنیم.  
مردم حقایقی دارند. افکار توده مردم که  
کماه کرامه میشود وظیفه ما بنتیت از  
خوش آمد مردم نیست وظیفه ما ارشاد  
مردم بصلاح اندیشی است. از این نظر است  
که بنده متقدم که این طرح بهاره ماده ای

